



ارتباط حضرت زهرا(س) با حضرت مهدی(عج)

حضرت مهدی (عج) حضرت زهرا (س) را به عنوان الگو مطرح کرده‌اند و می‌فرمایند: «دختر پیامبر (سلام الله علیها) برای من الگویی نیکوست.» اما چرا حضرت زهرا (س) به عنوان الگو مطرح می‌شوند و اسرار این مسئله چیست؟

حضرت مهدی (عج) حضرت زهرا (س) را به عنوان الگو مطرح کرده‌اند و می‌فرمایند: «دختر پیامبر (سلام الله علیها) برای من الگویی نیکوست.» اما چرا حضرت زهرا (س) به عنوان الگو مطرح می‌شوند و اسرار این مسئله چیست؟

چرایی الگو بودن حضرت زهرا (س) و واکاوی ابعاد وجودی ایشان موضوعی است که حجت الاسلام و المسلمین حسامی، در یادداشتی شفاهی، به تبیین آن پرداخته‌اند که در ادامه آمده است:

ویژگی‌های فردی حضرت فاطمه (س)

نحوهی ظهور نور حضرت زهرا در این جهان و به دنیا آمدن ایشان برای هیچ‌یک از اهل بیت رخ نداده است. این بزرگواران از یک عالم بالا بودند، از عرش بودند و برای زمینی شدن، هیچ‌کدام مراحلی را که حضرت زهرا (س) سپری نمود، طی نکردند. در مورد تولد ایشان چنین آمده است:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در «ابطح» نشسته بود، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند بزرگ، بر تو سلام فرستاده است و می‌فرماید: چهل شبانه‌روز از خدیجه کناره‌گیری کن و به عبادت و تهجد مشغول باش. پیغمبر اکرم بر طبق دستور خداوند حکیم، چهل روز به خانه‌ی خدیجه نرفت و در آن مدت، شب‌ها به نماز و عبادت می‌پرداخت و روزها روزه‌دار بود. توسط عمار برای خدیجه پیغام فرستاد که ای بانوی عزیز، کناره‌گیری من از تو بدان جهت نیست که کدورتی داشته باشم، تو همچنان عزیز و گرامی هستی؛ بلکه در این کار از دستور پروردگار جهان اطاعت می‌کنم و خدا به مصالح آگاه‌تر است. ای خدیجه، تو بانوی بزرگوار هستی که خداوند، در هر روز چندین مرتبه به وجود تو بر فرشتگان خویش مباحثات می‌کند. شب‌ها در خانه را ببند و در بستر استراحت کن و منتظر دستور پروردگار عالم باش. من در این مدت در خانه‌ی فاطمه، دختر اسد، خواهم ماند. خدیجه بر طبق دستور رسول خدا رفتار کرد و در آن مدت از مفارقت همسر محبوب خویش و اندوه تنهایی می‌گریست. چون چهل روز بدین منوال سپری شد، فرشته‌ی خدا فرود آمد. غذایی از بهشت آورد و عرض کرد امشب از این غذای بهشتی تناول کن. رسول خدا با آن غذای روحانی و بهشتی افطار کرد. هنگامی که برخاست تا آماده‌ی نماز و عبادت شود، جبرئیل نازل شد و عرض کرد:

ای رسول گرامی خدا، امشب از نماز مستحبی بگذر و به سوی خانه‌ی خدیجه حرکت کن؛ زیرا خدا اراده نموده است که از صلب تو فرزند پاکیزه‌ای بیافریند. پیغمبر اکرم با شتاب رهسپار خانه‌ی خدیجه شد.

خدیجه می‌گوید: در آن شب، طبق معمول، در خانه را بسته و در بستر استراحت کرده بودم. ناگهان صدای کوبیدن در بلند شد. گفتم: کیست؟ که جز محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی سزاوار نیست در این خانه را بکوبد. آهنگ دلنشین پیغمبر بگوשמ رسید که فرمود: باز کن، محمد هستم. شتابان در را باز کردم. با روی گشاده وارد خانه شد. طولی نکشید که نور فاطمه (علیها السلام) از صلب پدر به رحم مادر وارد شد. (1)

در این مورد، چند نکته قابل تأمل است: اول اینکه اعتکاف چهل‌روزه‌ی حضرت در خانه فاطمه بنت اسد و شب زنده‌داری و روزه‌های مکرر و کناره‌گیری از مردم و از همسر بزرگوارش خدیجه، شباهتی به دوران آغازین نزول وحی و روزهای نخستین قبل از بعثت داشت. در آن ایام، آماده‌ی پذیرش تحفه‌ی الهی بود که به‌زودی منشأ پیدایش امامت و ولایت می‌شد؛ او ریشه‌ی اصلی درخت نبوت بود.

دوم آنکه حضرت سنت و روش همیشگی خود را در هنگام افطار ترک کرده و آن غذا را به خود اختصاص داده بودند و دیگران را از ورود به آن خانه منع کرد و نکته‌ی دیگر اینکه پیامبر سنت خود را در تطهیر و وضو گرفتن به هنگام ورود به خانه و آماده شدن برای نماز قبل از خوابیدن ترک کرد که این رها کردن سنت جاریه دلالت بر اهمیت آن موضوع دارد.

نکته‌ی دیگر در مورد شخصیت حضرت آنکه در حدیثی از امام باقر (ع) در تفسیر آیه‌ی شجره‌ی طیبه در قرآن کریم «الشجرة الطیبه رسول الله صل الله علیه و آله و سلم» آمده است: الشجرة الطیبه رسول الله صل الله علیه و آله و سلم و فرعها علی ع و عنصر الشجرة فاطمة ع و ثمرها اولادها و اعصانها و اوراقها شیعتها این درخت پیغمبر است، ساقه‌ی این درخت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب است و «عنصر الشجرة» ریشه‌ی شجره‌ی پیغمبر، فاطمه‌ی زهراست (ریشه و اساس فاطمه است) میوه‌های این درخت فرزندان او و برگ‌های آن شیعیان هستند. (2)

در روایتی آمده است: «قال ان الله تبارک و تعالی أمهَر فاطمه ربع الدنيا» (3) برای ازدواج حضرت فاطمه (س) یک چهارم دنیا مهر ایشان شد. از امام حسن عسکری (ع) نیز نقل شده «نحن حجج الله علی خلق» ما حجت‌های خدا بر مردم هستیم و مادرمان زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا برماست.

حضرت زهرا (س) چه شباهت‌هایی با امام زمان (عج) دارد؟

اولین نکته‌ای که خیلی واضح است و در روایات و در لسان عامه‌ی مردم بیان می‌شود، نسبتی است که همه‌ی مردم به امام زمان می‌دهند؛ یعنی «مهدی فاطمه». این یک اصطلاح ذوقی نیست، بلکه در روایاتی که از پیغمبر در معرفی امام زمان نقل شده دائماً آمده است: «مهدی من عترتی من ولد فاطمه» (مهدی پسر من است از نسل من است از بچه‌های فاطمه).

در اینجا یک سؤال مطرح است: چرا می‌گویند «مهدی فاطمه» چرا نمی‌گویند «مهدی علی»، چرا نمی‌گویند «مهدی حسین»؟ نکته‌ای که در این مورد وجود دارد آن است که مهدی فاطمه (عج) دلخوشی فاطمه‌ی زهراست و اساساً یکی از فلسفه‌های وجودی امام زمان دل خوش کردن فاطمه (س) بوده است. این مسئله در چندجا اتفاق افتاده است. یکی در زمان رحلت پیغمبر بود؛ وقتی پیغمبر در بستر بیماری بودند، حضرت زهرا (س) خیلی رقیق‌القلب و ناراحت از بی‌حرمتی‌هایی که اتفاق افتاده بود خدمت پیامبر رسیدند؛ پیامبر خطاب به ایشان وعده‌ی آن را دادند که حضرت مهدی (عج) از فرزندان ایشان خواهند بود. داستان ولادت امام حسین (ع) نیز جز این مصداق است. وقتی ایشان به دنیا آمدند جبرئیل نازل شد و فرمود: یا رسول‌الله خدا به تو تبریک می‌گوید اما «قتلوا و عطشان» پیغمبر گریست سپس جبرئیل ادامه داد یا رسول‌الله این پیام را به فاطمه نیز برسان. پیغمبر پیام را به حضرت رساندند. حضرت گریه و بی‌تابی کردند و فرمودند اگر قرار است امت این‌چنین بیچاره شود، من نمی‌خواهم. پیامبر در پاسخ فرمودند: خداوند در عوض مهدی را از نسل تو قرار داده است و این‌چنین حضرت آرام شدند. بین حضرت زهرا و امام زمان (عج) ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ زیرا امام زمان مایه‌ی خشنودی قلب حضرت زهرا (س) است. ارتباط دیگر امام زمان با وجود حضرت زهرا بحث الگو بودن است. در قرآن، اسوه‌ی حسنه بودن دو بار مطرح شده است؛ یکی پیرامون شخص پیغمبر است، سوره‌ی احزاب آیه‌ی 21 «لقد کان رسول... اسوه حسنه» و دیگری سوره‌ی ممتحنه «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معهوا» ابراهیم و کسانی که با ابراهیم هستند آن‌ها هم اسوه‌ی حسنه هستند. اینکه امام زمان می‌گویند مادرم زهرا اسوه‌ی حسنه‌ی من است، نه از این جهت که پیغمبر اسوه‌ی حسنه‌ی من نیست، بلکه از این جهت است که زهرا (س) جان پیغمبر است.

در روایت آمده است شبیه‌ترین فرد به پیغمبر حضرت فاطمه (س) است. رضای پیغمبر در رضای فاطمه است. همان‌طور که رضای خدا هم در رضای پیغمبر است. پیغمبر به سلمان فرمود: «یا سلمان! ابنتی فاطمه ملأها و جوارحها ایماناً و مشامشها» سلمان! خدا چنان ایمانی به دخترم فاطمه داده، به قلب و جوارحش، حتی تا مغز استخوانش، که او را خالی می‌کند از هر چه غیر خداست.

در تربیت هم باید از ایشان الگو گرفت؛ زمانی پیش آمد که در خانه‌ی علی (ع) چیزی برای خوردن پیدا نمی‌شد. علی ابن ابیطالب رفت و 3 صاع گندم از یک یهودی قرض گرفت؛ یعنی مسلمانان از کمک به حضرت دریغ کردند و حال آنکه فاطمه زهرا برای همین مردم نیز دعا می‌کردند. در دامان چنین مادری، فرزندی (امام حسن) به دنیا می‌آید و تربیت می‌شود که وقتی فردی نزد ایشان آمد و شروع به فحاشی کرد با او مهربانی کردند و فرمودند: اهل شام هستی، در اینجا کسی را نداری، حالا بیا برویم خانه‌ی ما، لباس‌هایت را عوض کن، یک غذایی بخور، رفیق نداری؟ خودم رفیقت می‌شوم.

یکی از شباهت‌های امام زمان با حضرت زهرا مربوط به حقیقت شب قدر است. امام صادق (ع) فرمودند: شب قدر فاطمه‌ی زهراست. کسی شب قدر را درک نمی‌کند، مگر آنکه فاطمه را بشناسد. در زمان ما شب قدر از آن امام زمان (عج) است. بنابراین کسی در شب قدر به معرفت امام زمان نمی‌رسد مگر با معرفت فاطمه‌ی زهرا؛ خیلی ارتباط نزدیک است.

شب قدر منزلتش مخفی است، منزلت حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم مخفی است. شب قدر تبلیغ امور می‌شود و یک بحث مفصلی دارد که ملاک حق و باطل با حضرت زهراست. دلیل آن هم رضایت خدا در گرو رضایت فاطمه است؛ یعنی رضایت با رضایت زهرا. خط‌کش اندازه‌گیری رضایت خدا رضایت حضرت زهراست که تفریق امور انجام می‌شود. ظرف نزول وحی است. در روایت داریم هیچ پیغمبری، هیچ نبی به نبوت نرسید مگر اینکه اقرار به فضل فاطمه‌ی زهرا کرد.

یک‌سری شباهت‌هایی هم بین حضرت زهرا و حجت‌بن‌الحسن در اسامی وجود دارد. روایت داریم 9 اسمی که خدا برای حضرت زهرا انتخاب کرد؛ این 9 اسم غیر از فاطمه، که البته این اسم هم با تعبیر شب قدر ایشان هم سنخیت دارد؛ تمام اسم‌ها مصداقش برای امام زمان هم وجود دارد؛ مثلاً روایت داریم که سیده‌النساء لقب حضرت زهراست، سیدالخلق هم لقب امام زمان است، امام رضا (ع) فرمودند: طاهره، طاهر، مبارک، مبارکه، زکیه، زکی، طیبه، طیب، مطهره، مطهر، تقیه، تقی، محدثه و محدث. این‌ها همه مشترک است بین حضرت زهرا و حضرت مهدی (عج).

جلوه‌ی وجودی حضرت زهرا محبتش طبیعی و تکلیفی نیست، قرآن می‌فرماید: «لو کنت غلیظ القلب لنفضوا من حولک» پیغمبر اگر تو غلیظ‌القلب باشی؛ یعنی تو در قلبت محبت نداشته باشی، هیچ‌کس اطرافت جمع نمی‌شود. قرآن می‌گوید اگر در قلبت محبت نبود، از تو دور می‌شدند نه رفتار محبت‌آمیز؛ این خیلی نکته‌ی مهمی است. فکر نکنید اگر ما رفتارمان رفتار محبت‌آمیز باشد، افراد جذب خواهند شد. باید از عمق وجود دوست داشت. باید از عمق وجود مهربان بود و این مهربانی فقط با اتصال به حضرت حق ایجاد می‌شود. اینکه توصیه شده است کسی که از تو قطع کرد با او رابطه برقرار کن، به کسی که به تو بدی کرد خوبی کن، بر چه مبنایی است؟ مبنای خدا، یعنی تنها کسی می‌تواند رفتار بد را با رفتار خوب پاسخ بدهد که متصل به بی‌نهایت باشد و الا جواب نفسانی خواهد داد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) متصل به بی‌نهایت بود. فرزندان ایشان هم همین‌طور هستند. امام زمان منتقم هست، ولی مهربان است.

منابع:

1. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین.
2. همان.

3. الأملی للطوسی، ص 668.

*حجت الاسلام و المسلمین حسامی

منبع: برهان